



متهم: مقتول قصد اخاذی داشت او را کشتیم

فاطمه صبور
مرد جوانی که متهم است یا همدستی خواهر و شوهر خواهرش، مرد معتاد را به خاطر اخاذی به قتل رسانده است در جلسه محاکمه ما چرا شرح داد.

تیرماه ۱۴۰۰، مأموران پلیس تهران جسد مرد جوانی را در خیابان افسریه کشف کردند که گلویش بریده شده بود. جسد به دستور قضاایی به پزشکی قانونی فرستاده شد و بعد از تشخیص هویت مشخص شد متعلق به مرد ۳۲ ساله‌ای به نام سعید است که بعد از چند بار تزریق مواد مخدر با اصابت چاقو به گلویش کشته شده است.

با به دست آمدن این اطلاعات، تحقیقات برای شناسایی عامل یا عاملان قتل به جریان افتاد که در روند تحقیقات مشخص شد آن مرد روز حادثه با زن جوانی قرار ملاقات داشته است. به این ترتیب زن جوان شناسایی و بازداشت شد. او در روند بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: «شوهرم نظامی است، ما صاحب یک دختر چهار ساله هستیم که مدتی قبل برای انجام کاری همراه پدرم سوار یک خودرو شد. طی مسیر راننده به نام سعید مرا فریب داد، سپس یک آبیوه مسموم تعارف کرد. با خوردن آن بیهوش شدم و وقتی به هوش آمدم متوجه شدم او مرا آزار داده و از من عکس و فیلم تهیه کرده است. با تهدیدهای سعید از ترس آبرویم به شوهرم حریفی نردم تا چند روز بعد برادرم به نام شاهین به خانه‌مان آمد. او وقتی پریشانی‌ام را دید سوال کرد و دلپیش را پرسید. برایش ماجرا را تعریف کردم و گفتم آن مرد با تهدید عکس و فیلم هر بار از من اخاذی می‌کند».

زن جوان در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «شاهین وقتی حرف‌هایم را شنید از من خواست به شوهرم حریفی نزم تا خودش او را تنبیه کند، اما چند روزی گذشت که شوهرم نیز ماجرا را متوجه شد. آنها تصمیم به قتل سعید گرفتند و وقتی فهمیدند او معتاد است نقشه‌ای طراحی کردند تا با تزریق مواد او را به قتل برسانند. برای انجام نقشه آخرین باری که سعید تماس گرفت و در خواست ۱۰ میلیون تومان پول کرد با او قرار گذاشتم. وقتی سبز قرار رفتیم، برادرم و شوهرم، سعید را سوار ماشین کردند، سپس چند بار به او مواد مخدر تزریق کردند. حوالی افسریه برادرم، سعید را از ماشین پیاده کرد و برگشت. او وقتی سوار ماشین شد، گفت گلولی سعید را بریده است.»

با ثبت این اظهارات، دو متهم دیگر نیز بازداشت شدند. با اعترافات دو متهم، شاهین به اتهام قتل و آدم‌ربایی، شوهر زن جوان به نام رامین به اتهام آدم‌ربایی و معاونت در قتل و زن جوان نیز به اتهام معاونت در قتل راهی زندان شدند. پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد، سپس با تعیین شعبه ویژه می‌هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه قرار گرفت.

ابتدای جلسه اولیای دم در خواست قصاص کردند. در ادامه شاهین در جایگاه قرار گرفت و با اقرار به جرمش گفت: «وقتی خواهرم با سعید قرار ملاقات گذاشت، چاقویی از خانه‌اش برداشتم و همراه خواهرم و شوهرش به محل قرار رفتم. درباره قتل با آنها حرفی نردم. بعد از اینکه من و شوهر خواهرم به سعید مواد مخدر تزریق کردیم و او را از ماشین بیرون انداختیم، سراغش رفتیم و گلویش را بریدیم، خواهرم و شوهرش از این ماجرا اطلاعی نداشتند و بیگناه هستند.»

سپس رامین به جایگاه رفت و گفت: «ما قرار گذاشته بودیم به مقتول مواد مخدر تزریق کنیم، اما برادریم بدون اطلاع ما دست به چاقو شد و گلولی مقتول را برید. باور کنید از نقشه او اطلاعی نداشتیم.»

زن جوان نیز در دفاع از خود گفت: «برادرم از نقشه قتل حرفی نرده بود، او حتی به تن مقتول لباس‌های کهنه پوشانده بود تا پلیس فکر کند او کارتن خواب است و بر اثر دوز بالای مواد مخدر کشته شده است. نمی‌دانم چرا خودسرانه چنین تصمیمی را گرفته بود».

در پایان هیئت قضایی برای صدور رای وارد شور شد.

غلامرضا مسکنی
هفت مردی که در جریان درگیری‌های جداگانه در تهران مرگ یک کشته شده بودند با کمک خیرین، هنرمندان و تلاش تیم صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران آزاد شدند.

صبح دیروز سه‌شنبه ۲۹ شهریور اتفاق زیبایی در دادسرای امور جنایی تهران رقم خورد. هفت زندانی که بعضی از آنها از ۱۷ سال قبل به خاطر ارتکاب به قتل در زندان به سر می‌بردند با کمک خیرین، تعدادی از هنرمندان سرشناس سینما و صداوسیما و تلاش تیم صلح و سازش و واحد مددکاری زندان رجایی‌شهر برای همیشه آزاد شدند و به آغوش خانواده‌هایشان بازگشتند.

ساعت ۹ صبح بود که هفت زندانی با دستبند و پایبند وارد سالن گفترانس دادسرای جنایی شدند. قرار بود آنها تنها ساعاتی دیگر آزاد شوند و آزادانه پس از سال‌ها تحمل حبس در کوچه و خیابان‌ها قدم بزنند و نفسی تازه کنند. چهره‌شان خندان و امیدوار بود که تا لحظاتی دیگر اعضای خانواده‌هایشان را که دستبند و پایبند یک به یک زندانیان حاضر در جلسه را باز کردند. لحظه بسیار زیبایی بود که لیخند بر لب زندانیان و همه افراد حاضر در جلسه نشست. لحظاتی بعد اعضای خانواده زندانیان وارد سالن شدند و هر کدام پدر، برادر یا شوهر خود را در آغوش کشیدند. اشک و لیخند در سالن موج می‌زد و گاهی صدای هق‌هق گریه شنیده می‌شد. البته گریه خوشحالی بود. لحظه دیدار تازه‌عروسی با شوهرش که پس از گذشت سه ماه از ازدواجش شوهرش به خاطر اخاذی و ارتکاب به قتل به زندان افتاده بود، دیدنی بود.

آزادی پس از ۱۷
نخستین متهمی که آزاد شد، مرد ۴۱ ساله‌ای به نام احمد بود. وی ۱۷ سال قبل در سرآسیاب قاضی محمد شهرپاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران در این جلسه با بیان اینکه امروز با کمک خیرین و جمعی از هنرمندان و تلاش تیم صلح و سازش، هفت نفر از محکومان به قصاص از زندان آزاد شدند، گفت: سال‌ها قبل وقتی پرونده محکوم به قصاصی برای سنیر مراحل اجرا به دادسرای جنایی می‌آمد با کمک دادیاران شعبات اجرای احکام تلاش می‌کردیم با جلب رضایت اولیای دم، محکوم به قصاص را از مرگ نجات دهیم. این تلاش‌ها نمود بیرونی نداشت که ما بتوانیم خبری را قانع کنیم که به متهم قصاصی کمک کند، چون دیدگاه نسبت به موضوع کمک به قاتلان منفی بود و خیران هم بیشتر مایل بودند به متهمان جرائم غیر عمد مثل تصادف و

درخواست کمک از خیرین

فهره به که نیاز به کمک داشتند، کمک کنند. به همین خاطر از حدود سه سال قبل واحد صلح و سازش دادسرای جنایی را تشکیل دادیم و موفق شدیم با جذب گروه‌هایی که بیرون خدمت می‌کردند مانند گروه چتر نجات، تلاش‌ها و خدمات این واحد را گسترش دهیم و از طرفی با اخذ ابلاغ ویژه تحت عنوان صلح‌پار از سوی معاون محترم قوه قضائیه فعالیت‌های خود را گسترش دادیم. قاضی شهرپاری در پایان گفت: واحد صلح و سازش، سازمان نیست که دولتی باشد، به همین دلیل در آن به روی همه خیرین، هنرمندان و ورزشکاران برای کمک باز است. در نهایت هم اولیای دم درخواست دپه کردند و خیرین نیز به مر پرداخت کردند و آنان آزاد شد و خیلی خوشحالم».

تعمیل در دانشگاه پس از آزادی
زندان دیگری که آزاد شد، مرد جوانی به نام بهرام بود. وی ۳۱ شه‌پور ۹۹ در حالی که سه ماه از ازدواجش گذشته بود در درگیری مرد رستوران داری را در شمال تهران به قتل رساند. بهرام درباره حادثه گفت: «مقتول برای همسرم مزاحمت ایجاد می‌کرد و من چند باری به او تذکر داده بودم، اما قایده‌ای نداشت تا اینکه قرار ملاقات گذاشتیم. قصد قتل نداشتم، اما در درگیری او را قتل رسید. وقتی به زندان افتادم، توبه کردم و تصمیم گرفتم ادامه تحصیل بدهم و خوشبختانه در زندان فوق‌لیسانس قبول شدم و الان که به کمک خیرین آزاد شدم، می‌خواهم به دانشگاه بروم و ادامه تحصیل بدهم.»

۸۰۱ بار ختم قرآن در زندان
سومین زندانی هم مرد میانسالی است که هفت سال قبل در درگیری در تهران مردی را به قتل رسانده بود. وی گفت: «خیلی پشیمان هستم، چون هفت سال از بهترین لحظات عمرم را در زندان سپری کردم. من توبه کردم و از همان روز اول شروع به حفظ و ختم قرآن



آزادی ۷ زندانی محکوم به قصاص با کمک خیرین و هنرمندان

کرچ همسرش را در درگیری به قتل رسانده بود. احمد درباره حادثه گفت: «با همسرم اختلاف داشتم، اما هرگز فکر نمی‌کردم او را به قتل برسانم. زمان حادثه باردار بود و تصمیم گرفته بود به خانه پدرش برود و اصرار داشت من هم همراه او بروم، اما دوست نداشتم به خانه پدرم بروم که به خاطر این مسئله با هم درگیر شدم. در جریان درگیری آتش‌سوزی شد و او در آتش فوت کرد و من هم به جرم قتل به زندان افتادم. ۱۷ سال در زندان بودم و در این مدت دو بار پای چوبه دار رفتم، اما هر بار با تلاش تیم صلح و سازش مهلت گرفتم و در نهایت هم اولیای دم درخواست دپه کردند و خیرین نیز به مرا پرداخت کردند و آنان آزاد شد و خیلی خوشحالم».

تعمیل در دانشگاه پس از آزادی
زندان دیگری که آزاد شده و مانند افراد عادی می‌توانم به زندگی‌ام ادامه دهم».

قتل به هواخواهی پسرعمو
چهارمین قاتل مرد ۴۲ ساله‌ای به نام بهمن است. وی در سال ۸۴ به هواخواهی پسرعمویش در درگیری حوالی جاده تلو مردی را به قتل رساند و سپس راهی زندان شد. بهمن گفت: «من اهل دعا و درگیری نبودم و آن درگیری را پسرعمویم رقم زد که ناخواسته وارد درگیری شدم و دستم به خون آلوده شد. پس از آن سختی‌های زیادی کشیدم و حتی همسر ام من جدا شد، اما الان خیلی خوشحالم که آزاد شده‌ام و مانند افراد عادی می‌توانم به زندگی‌ام ادامه دهم».

قتل ناخواسته همسر
پنجمین محکوم به قصاص هم مرد دو زنهای است که در درگیری در سال ۸۹ همسر دوشم را در شهری به قتل رسانده است. او دو دختر و یک پسر دارد که یک دختر و یک پسرش متعلق به زن دوشم هستند. پس از قتل، دخترش رضایت می‌دهد، اما پسرش اصرار دارد که قاتل مادرش را قصاص کند تا اینکه با میانجیگری تیم صلح و سازش و کمک خیرین، پسر مقتول پدرش را می‌بخشد. متهم آزاد شده می‌گوید قصد دارد پس از این فرزندانش پدری کند.

قتل به خاطر سرقت
ششمین متهم، مرد ۴۵ ساله‌ای به نام بابک است. او در سال ۹۴ با همدستی مرد دیگری، زن میانسالی را به خاطر سرقت اموالش به قتل رسانده است. وی گفت: «وضع مالی خوبی نداشتم و دو دختر دوقولم هر دو بیمار بودند و پول نیاز داشتم که یکی از دوستانم پیشنهاد داد از زن میانسالی سرقت کنیم و در جریان آن نیز مرتکب قتل شدیم. فکر می‌کردم با سرقت زندگی‌ام را سرسامان می‌دهم، اما زندگی‌ام به کل نابود شد، ولی الان خوشحالم که آزاد شده‌ام و نزد خانواده‌ام می‌روم.»

قتل شوهر خواهر
آخرین متهم، مرد آرایشگری است که ۱۴ سال قبل شوهرخواهرش را به قتل رسانده بود. وی گفت: «خواهرم از شوهرش جدا شده بود، اما او همیشه مزاحم خواهرم می‌شد که در درگیری او را کشتیم. پس از این حادثه در زندان خیلی سختی کشیدم و زمانی که طناب دار به گردنم آویخته شد تازه قدر زندگی را فهمیدم و الان هم خیلی خوشحالم که دوباره به زندگی‌ام بازگشتم».

دستگیری زورگیران هنگام سرقت

سرهنک محمد قاسم طر هانی، جانشین پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: «در بازرسی بدنی از متهمان، یک قبضه سلاح سرد به طول ۵۰ سانتی‌متر کشف شد. بررسی‌ها نشان داد متهمان سابقه زورگیری داشته و از سوی مأموران تحت تعقیب بوده‌اند. دو متهم برای ادامه تحقیقات در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند.»

انها را تحت نظر گرفتند. دو زورگیر قصد سرقت از فروشگاه در تهران داشتند که با دیدن مأموران پلیس اقدام به فرار کردند. بدین ترتیب تعقیب و گریز مأموران و سارقان آغاز شد، اما مأموران خیلی زود متهمان را به دام انداختند.



قتل مرموز پزشک طب سنتی پس از رفتن همسرش به میهمانی

آرمین بینا
مأموران پلیس تهران جسد مرد میانسالی را در خانه‌اش کشف کردند که به طرز مرموزی به قتل رسیده بود.

ساعت ۲۴ شامگاه دوشنبه ۲۸ شهریور قاضی میثم حسین‌پور، بازرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۴۷ گلبرگ از قتل مردی در خانه‌اش با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه که اتاق خواب آپارتمانی در طبقه اول ساختمان مسکونی بود با جسد مرد میانسالی روبه‌رو شدند که به طرز مرموزی به قتل رسیده بود. تحقیقات نشان داد مقتول پزشک طب سنتی است که شب حادثه تنها بوده و همسر و دخترش وقتی از مهمانی به خانه‌شان بر می‌گردند با جسد او روبه‌رو می‌شوند و موضوع را به پلیس خبر می‌دهند.

بررسی جسد و آثار خراش‌های روی گردن مقتول حکایت از آن داشت وی بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن به وسیله سیم یا طنابی به قتل رسیده‌است.

همچنین مشخص شد قاتل یا قاتلان تویی قتل در را تخریب کرده و وارد خانه شد و مرد میانسال را به قتل رسانده‌اند. از سوی دیگر به هم ریختگی وسایل خانه هم حکایت از آن داشت عامل یا عاملان قتل با انگیزه سرقت دست به جنایت زده‌اند.

اظهارات همسر مقتول

بدین ترتیب مأموران در ادامه به سراغ همسر مقتول رفتند و از وی تحقیق کردند. وی در ادعایی گفت: «شوهرم پزشک طب سنتی بود و هر روز هم به مطبش می‌رفت و طبابت می‌کرد. دخترم به تازگی دیپلم گرفته و در کنکور هم شرکت کرده‌بود که شب حادثه نتایج کنکور اعلام و مشخص شد دخترم در دانشگاه قبول شده‌است. خیلی خوشحال بودیم و تصمیم گرفتیم به خانه مادرم برویم و این خبر خوش را به او بدهیم. من و دخترم راهی خانه مادربزرگ شدیم، اما شوهرم گفت که کار دارد و در خانه می‌ماند. هر چند اصرار کردم او قبول نکرد و ناچار من و دخترم به خانه مادرم رفتم. در این مدت یکی دوباره با همسرم تلفنی صحبت کردم و به او گفتم که شب به خانه بر می‌گردیم. پس از اینکه شام خوردیم راهی خانه‌مان شدیم و ساعت حدود ۱۱:۳۰ بود که وارد ساختمان شدیم. در خانه‌مان باز بود و قفلش تخریب شده و همه وسایل خانه هم به هم ریخته‌بود. ابتدا فکر کردیم شوهرم بیرون رفته و در نبود ما سارقان به خانه‌مان دسترسی‌اند که با داد و فریاد از همسایه‌ها در خواست کمک کردم. وقتی همسایه‌ها بیرون آمدند و من به داخل اتاق خواب رفتم با جسد شوهرم روبه‌رو شدم که به قتل رسیده‌بود. دوباره فریادم به آسمان بلند شد و همسایه هم از ماجرا با خبر شدند و موضوع را به پلیس خبر دادند. سپس خانه را بررسی کردم و متوجه شدم در این حادثه ۱۰ سکه بهار آزادی و ۱۰ هزار دلاری که داخل کمد نگهداری می‌کردیم، سرقت شده‌است.»

مرد ناشناس

همسر مقتول در ادامه گفت: «حدود یک ماه قبل همراه همسرم با خودرومان در یکی از خیابان‌ها بودیم که مرد ناشناسی راه ما را سد کرد. او شوهرم را از داخل خودرو و به بیرون کشید و کتک زد و بعد هم فرار کرد. از شوهرم خواستم به اداره پلیس برویم و از او شکایت کنیم، اما او گفت نیازی نیست و گفت احتمالاً از بیمارانش بوده‌است که درست مداوا نشده و عصبانی شده و او را کتک زده‌است. من الان به آن مرد ناشناس مشکوک هستم و احتمال می‌دهم او شوهرم را به قتل رسانده‌است.»

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی عامل یا عاملان قتل پزشک میانسال آغاز کردند. همچنین بازرس جنایی به مأموران دستور داد ضمن تحقیق از همسایه‌ها، بستگان و منشی مقتول دوربین‌های مداربسته محل حادثه را بررسی کنند.



۲ حادثه مرگبار برای ۲ عابر

دو مرد عابر پیاده در دو حادثه جداگانه در پایتخت، بعد از برخورد با دو دستگاه خودروی سواری در دم فوت کردند. گزارش جوان، اولین حادثه با بعداز روز گذشته در بزرگراه سعیدی اتفاق افتاد. با حضور مأموران در محل بررسی‌ها نشان داد، در آن حادثه یک دستگاه خودروی سواری پراید به علت عدم توجه به جلو با مرد عابر پیاده برخورد در آن مرد عابر در دم فوت کرده‌است.

حادثه دیگری نیز ساعت ۵:۴۰ روز گذشته در مسیر بزرگراه تندگویان به سمت شمال اتفاق افتاد. وقتی مأموران به محل رفتند با جسد مرد عابری روبه‌رو شدند که شواهد اولیه نشان می‌داد آن مرد به دلیل برخورد با یک دستگاه پژو تاکسی در دم فوت کرده‌است. سرهنک احسان مومن، رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ گفت: «جسادهای تحقیقات بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شدند.»

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی بر اثر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف
برابر رای شماره ۱۴۰۱۰۱۰۰۰۲۳۴۰ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات بلاعناض و بلامعارض آقای فاطمه سسر ایبندی به شناسنامه ۱۴۹۸ کد ملی ۵۳۳۹۵۰۰۷۹۹ صادره از زکف فرزند محمدحسن متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۶۶۹ در شش دانگ یک قطعه زمین که در آن اجداث بنا شده است به مساحت ۱۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۸۹- اصلی واقع در اراضی کرکوش تپه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۴ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود. از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره اعلام و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. گواهی تقدیم دادخواست اول: ۱۴۰۱/۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۶/۱۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۶/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۶/۳۰
حجت‌اله تجری- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ گرگان

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی بر اثر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف
برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعناض و بلامعارض آقای فاطمه سسر ایبندی به شناسنامه ۱۴۹۸ کد ملی ۵۳۳۹۵۰۰۷۹۹ صادره از زکف فرزند محمدحسن متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۰۶۶۹ در شش دانگ یک قطعه زمین که در آن اجداث بنا شده است به مساحت ۱۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۸۹- اصلی واقع در اراضی کرکوش تپه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۴ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود. از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره اعلام و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع تقدیم دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۶/۱۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۶/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۶/۳۰
حجت‌اله تجری- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ گرگان

مفقودی
برگ سبز و کارت ماشین خودروی سواری پراید به شماره انتظامی ایران ۹۱/۵۳۶/س ۱۲ و شماره موتور ۵۱۱۷۴۲۳ و شماره شناسی ۸۲۵۱۰۲۲۲۸۴۵۰۸۲۵۱
مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. تبریز

مفقودی
برگ سبزی و برگ کمپانی و وکالتنامه خودروی پراید مدل ۱۳۸۱ رنگ سفید شبری روغنی به شماره پلاک ایران ۲۱-۲۲۸ص ۳۱ و شماره موتور ۰۰۳۱۶۷۲۲ و شماره شناسی ۵۱۴۰۵۱۷۸۰۸۱۲۲۸۱۲۲۸۱۲۲۸ متعلق به محرم صمدی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

به جوان دوباره نگاه کن
Javanonline.ir

مفقودی
برگ سبزی خودروی پژو ۲۰۶ مدل ۱۴۰۰ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۳۹- ۹۸ل ۵۱۱- و شماره موتور ۱۸۲۸۰۱۵۸۵۷۸ و شماره شناسی NAAP۰۳EEEMJ۴۷۵۱۹۳ متعلق به سیداصغر باقری گورانسراب مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز